

## گستره فقه نسبت به امور خانواده و تربیت

□ محمد مطهری\*

چکیده

یکی از بحث‌های مهم و مطرح در مباحث فلسفه ی فقه، گستره ی قلمرو فقه است. که مهمترین اباحت در این زمینه موارد ذیل می باشد: ۱- ارزشیابی قلمرو فقه نسبت به افعال جوانحی شامل (اخلاق، عقاید، عرفان) ۲- شمول دایره فقه، نسبت به حیطه فردی و اجتماعی (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، خانوادگی، تربیتی، مدیریت و نظام سازی)

در این میان، برخی قلمرو فقه را به صورت حدائقی و محدود فرض نموده و در نتیجه دایره فقه را منحصر در افعال جوارحی دانسته‌اند. و بر این باورند که فقه و احکام شرعی در فروعات و اعمال جوارحی محدود بوده و اعمال قلبی و جوانحی از حیطه شمول آن خارج است.

همچنین، برخی با نگاه حدائقی به قلمرو فقه، آن را به حیطه فردی محدود کرده و شمول آن را نسبت به حوزه‌هایی چون: فرهنگ، سیاست، اقتصاد، امور خانواده و تربیت، مدیریت و نظام سازی، مورد انکار قرار داده‌اند. اما سایر اندیشمندان و فقهای اسلامی قلمرو فقه را دارای گستره کلان و شمولیت بیشتر دانسته و معتقدند از آنجایی که فقه، ریشه در ربوبیت الهی دارد، و یک برنامه منسجم برای هدایت بشر است، شامل تمام حوزه‌های یاد شده می‌گردد.

این مقاله با بررسی کتابخانه‌ای و در یک نگاه کلی قلمرو فقه را در حوزه ای خانواده و تربیت بررسی نموده و احکام الهی را که به واسطه فقها در این دو حوزه استنباط گردیده، به عنوان سند مطرح نموده و به اثبات رسانده است که فقه اسلامی در حوزه ، خانواده و تربیت ورود داشته است، مثلا در حوزه خانواده؛ مسائل نکاح، طلاق، ارث، همچنین در امور تربیتی مسائل چون حفظ تربیت اجتماعی، حفظ و تربیت جسمی، حفظ و تربیت روحی و روانی ، و خوب امر به معروف و نهی از منکر، در بین فقها مطرح گردیده است که حاکی از ورود فقه اسلامی به این ساحتها می باشد.

واژه‌گان کلیدی: فقه، قلمرو فقه، فقه اجتماعی، فقه خانواده، فقه تربیت.

## مقدمه:

این مقاله در صدد تبیین و تحلیل و بررسی قلمرو و دامنه‌ی فقه نسبت به امور خانواده و تربیت است و نمونه‌های از ورود فقه را در این دوعرصه‌ای از زندگی که بیانگر توجه و شمول فقه نسبت به هر دو می باشد مورد بررسی قرار داده است. اساساً می‌خواهیم پاسخ این سوال که آیا دامنه‌ی فقه شامل این دوحوزه‌ای از زندگی اجتماعی می‌شود؟ را در این جا بررسی و تبیین نماییم.

قلمرو فقه نسبت به امور خانواده و تربیت

فقه اسلامی به عنوان پشتیبان و مجری خانواده سالم اجتماع سالم، به خانواده و امور تربیتی آن توجه چشم گیر و دقیق دارد، فقهای اسلام همواره مباحث مربوط به امو خانواده و تربیت را از نگاه فقه بررسی، و احکام آن را از منابع فقه استنباط نموده است، که این خود نشان از دایره کلان فقه اسلامی در حوزه خانواده و امور تربیتی آن می باشد که در سه بخش به تبیین آن می پردازیم.

## تبیین بعضی از مفاهیم

### ۱. قلمرو

قلمرو به معنای حیطة، گستره، مملکت، حوزه فرمانروایی، حوزه عمل گفته می‌شود. (معین ۱۳۶۰، ۱، ۲۷۲۰)

### ۲. فقه در لغت

ابن منظور بر این باور است که فقه به معنای فهم است (ابن منظور: ۱۴۱۴، ۱۳، ۵۲۲) <sup>۱</sup> و همچنین راغب اصفهانی می‌گوید فقه یعنی از علمی شهودی و حسّی به علمی غائب و نامحسوس رسیدن است (راغب اصفهانی: ۱۴۱۲، ۶۴۲). <sup>۲</sup> وی در توضیح آیه ۷ سوره منافقون <sup>۳</sup> و آیه ۷۸ سوره نساء <sup>۴</sup> می‌گوید آنان نه اینکه علم نداشتند بلکه فهم عمیق نداشتند.

باید گفت: فقه در لغت به نوعی درک خاص همراه بادقت گفته می‌شود. و چنین فهمی همراه با دقت و تأمل به دست می‌آید که ظاهر را در نوردیده و به عمق و جان مطلب توجه می‌کند و شاهد این سخن بیان قرآن کریم<sup>۵</sup> (هود ۹۱) و احادیث ائمه معصومین علیهم السلام است و

واضح است که در این مورد هم درک دقیق مراد است.

هم چنانکه علم و درک محتاج به متعلق می‌باشد و به آن معلوم و مدرک گفته می‌شود کلمه فقه و مشتقات آن نیز بحسب معنای خود محتاج به متعلق است و در موارد استعمال این کلمه در قرآن (توبه ۱۲۲)<sup>۶</sup> و روایات اهل بیت<sup>۷</sup>، به «دین» تعلق گرفته است (برقی: ۱۳۷۱، ۱، ۲۲۹ و کلینی: ۱۴۰۷، ۱، ۳۱).

۳. بعد از روشن شدن تعلق کلمه فقه به دین در قرآن و روایات معصومین علیهم السلام این نکته حائز اهمیت است که در مواردی که کلمه فقه به تنهایی به کار رفته است منظور همان فقه دین است چرا که در لسان روایات و عرف اهل شرع به همان معنای فقه دین به کار رفته است و حذف آن به جهت سهولت بوده است. به عنوان نمونه در روایتی امام صادق علیه السلام فرمود: اهمیت تفقه آن چنان زیاد است که حتی اگر اصحابم سرهایشان با تازیانه نواخته شود باز هم ارزش دارد.<sup>۸</sup> در این روایت کلمه «تفقهوا» به تنهایی به کار رفته است.

### ۳. فقه در اصطلاح

ملاحظه شد که فقه در عرف شرع و لسان روایات به معنی فقه دین آمده است و انگهی فقه از معنای لغوی تحوّل یافته و به معنای جدید منتقل شده است که عبارت است از علم به احکام شرعیه فرعیه عن ادلتها التفصیلیه و فقها این تعریف را آورده اند «العلم بالاحکام الشرعیة الفرعیة عن أدلتها التفصیلیة» (زین الدین، ۱۴۱۸، ۱، ۲۶)

روشن است که فقه در این اصطلاح اخص از معنای لغوی است و دیگر از واژه فقه جمیع معارف الهی قصد نمی‌شود و منظور از فقه در اصطلاح جدید خصوص احکام است چنانچه دقت شود در می‌یابیم که در معنای جدید فقه به علمی گفته می‌شود که ناشی از ملکه اجتهاد و استنباط باشد و این ویژگی در انحصار فقیه مجتهد می‌باشد و دیگر مقلد بر مبنای این اصطلاح فقیه حساب نمی‌شود بلکه این مجتهد فقیه است که به فهم عمیق احکام الهی بواسطه استنباط از ادله احکام می‌رسد.

#### ۴. تعریف قلمرو فقه

گستره‌ی فقه در موضوعات زندگی انسان به اندازه‌ی فراگیری دین در حوزه‌های مختلف زندگی انسان است. زیرا فقه عهده دار تبیین بایدها و نبایدها در دین است یعنی در هر جایی که دین مطرح است فقه نیز تبلور می‌یابد و به اظهار نظر می‌پردازد چه این محدوده، حوزه جسم انسان باشد یا روح و روان انسان و یا حوزه‌های ارتباطی انسان با خود یا خداوند و یا سایر موجودات باشد، بر اساس کتاب و سنت، فقه است که در تمام این حوزه‌ها حضور دارد و اظهار نظر می‌کند و به تناسب هر کدام راهنمایی می‌نماید.

#### ۵. تعریف خانواده

خانواده در لغت به معنایی اهل خانه، اهل البیت. مجموعه افراد دارای پیوند سببی یا نسبی که در زیر یک سقف زندگی می‌کنند. مجموعه خویشاوندان، خاندان. تیره، آمده است (معین: ۱۳۶۰ واژه خانواده) و در منابع فقه اسلامی نیز واژه‌های زیادی همانند آل، به معنای خاندان، اهل، بیت، عشیره، زوی القربی، و اولولارحام آمده است که معنای روابط خویشاوندی را القاه می‌نماید (نساء/ ۵۴. قصص/ ۲۹. قصص/ ۲. شعراء/ ۲۱۴. بقره/ ۸۳. زمر/ ۶).

#### فقها نسبت به شمول فقه در امور خانواده و ادله آن

در مکتب اسلام کانون خانواده مهم‌ترین و اولین هسته جامعه می‌باشد که برای ایجاد، حفظ و استحکام، نشاط و پویایی آن حکم و دستورات در فقه اسلامی وجود دارد و فقهای اسلام آن را از منابع فقه استنباط نموده‌اند.

#### تشویق به تشکیل خانواده

##### ۱. نکاح

در منابع فقه تشویق به تشکیل خانواده و بیان اهمیت و فضیلت آن با واژه نکاح بیان شده ازین جهت لازم است معنای این واژه تبیین شود

## نکاح در لغت و اصطلاح

طریحی نکاح را از نکح ینکح دانسته می‌گوید<sup>۹</sup>: نکاح به معنای زناشویی و وطء می‌باشد گاهی به معنای عقد ازدواج به کار برده می‌شود که گفته شده لفظ مشترک بین هردو است، بعضی هم گفته اند نکاح حقیقت در وطء دارد و عقد معنای مجازی آن حساب می‌شود (طریحی: ۴۲۱، ۲، ۱۳۷۵)

این منظور در تعریف نکاح آورده است<sup>۱۰</sup>: نکاح در کلام عرب به معنای وطء آمده است و برای عقد از دواج نیز بکار رفته چون این عقد سبب اباحه زنا شوئی می‌شود (ابن منظور: ۶۲۶، ۲، ۱۴۱۴).

صاحب جواهر می‌گوید نکاح طبق آنچه مشهور گفته اند حقیقت در وطی و در شرع حقیقت در عقد دارد (نجفی: ۶، ۲۹، ۱۴۰۴) که با در نظر گرفتن این معنا می‌شود گفت نکاح عقدی است که اباحه زنا شوئی را به دنبال می‌آورد.

اما در شرع همانطور که اشاره شد نکاح به معنای عقد از دواج است زحیلی می‌نویسد<sup>۱۱</sup> نکاح در شرع به معنای به همسری درآوردن ازدواج کردن آمده که اباحه استمتاع و بهره بردن از زوجه بواسطه آن عقد حاصل می‌شود (زحیلی: دارالفکر دمشق، ۹، ۶۵۱۳)

## حکم نکاح

ازدواج و نکاح در شرع اسلام مشروع دانسته شده و بر اهمیت و فضیلت آن استدلال‌های توسط فقهای اسلام انجام گرفته صاحب جواهر می‌نویسد: براساس دلائل نقلی و اجماع نکاح برای کسی که اشتیاق نفسی به آن دارد چه مرد باشد چه زن مشروع بلکه مستحب است<sup>۱۲</sup> (نجفی: ۸، ۲۹، ۱۴۰۴)

ایشان مباحث نکاح را در سه جلد جواهرالکلام، با تمام جزئیات آن از منابع فقه استنباط نموده است (همان: ۳۰-۲۹، ۳۱) زحیلی در این رابطه می‌گوید<sup>۱۳</sup>: دلیل تشریح ازدواج کتاب الهی، سنت و اجماع مسلمین می‌باشد (زحیلی: الفقه الاسلامی وادلته، ۹، ۶۵۱۵)

## ادله قرآن

قرآن کریم به ازدواج تشویق نموده می فرماید<sup>۴</sup> (نور ۳۲) مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد خداوند گشایش دهنده و آگاه است (مکارم: ۱۳۷۳ آیه فوق) در آیه دیگر می فرماید<sup>۵</sup> (نساء ۳) و اگر می ترسید که (بهنگام ازدواج با دختران یتیم)، عدالت را رعایت نکنید، (از ازدواج با آنان، چشم پوشی کنید و) با زنان پاك (دیگر) ازدواج نمائید، دو یا سه یا چهار همسر و اگر می ترسید عدالت را (درباره همسران متعدد) رعایت نکنید، تنها يك همسر بگیرید، و یا از زنانی که مالك آنهاست استفاده کنید، این کار، از ظلم و ستم بهتر جلوگیری می کند (مکارم: ۱۳۷۳ آیه فوق)

## ادله روایی

شیخ حر عاملی این حدیثی را با سند از امام علی علیه السلام روایت می کند فرمودند<sup>۶</sup> (عاملی: ۱۴۰۹، ۲۱، ۱۷) ازدواج کنید زیرا پیامبر (صلی الله علیه وآله) گفتند اگر کسی دوست دارد از سنت من پیروی کند ازدواج از سنت من است.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید<sup>۷</sup> (کلینی: ۱۴۰۷، ۵، ۳۳۰) شخصی خدمت پیامبر (صلی الله علیه آله) آمد و از سختی روزگارش شکایت نمود حضرت به او فرمود ازدواج کنید و او ازدواج نمود و روزگارش پس از ازدواج توسعه پیدا کرد.

محمد تقی مجلسی این حدیث را با همین سند صحیح دانسته (مجلسی: ۱۴۰۶، ۸، ۸۴). در حدیث دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است<sup>۸</sup>: بدون تردید دو رکعت نماز که شخص زن دار بجای آرد بالاتر است از عمل مرد بی زنی که شبهایش را به عبادت پردازد، و روزهایش را روزه بدارد. (ابن بابویه: ۱۴۰۶، ۳، ۳۸۴). روضه المتقین مضمون این حدیث را به دوسند مؤثقه کالصحیح می داند (مجلسی: ۱۴۰۶، ۸، ۸۶).

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود<sup>۹</sup> کسی که از دواج نماید نصف دینش کامل شده و برای حفظ باقی آن باید تقوا پیشه کند)

نقش تمدن‌ساز تشیع در گستره گستره فقه نسبت به امور خانواده و تربیت □۱۰۳

کلینی: ۱۴۰۷، ۵، ۳۲۹).

باید گفت بر اساس آموزه های اسلام در امور خانواده زن و مرد بواسطه اجرای الفاظ خاص که در شرع آمده باهم محرم می‌شوند و بنیان یک خانواده را در اجتماع تشکیل می‌دهد این عقد علاوه بر محرمیت که بین زن و مرد ایجاد می‌کند بنابر آنچه در منابع فقه اسلام آمده باعث آرامش روحی و روانی زن و مرد می‌شود<sup>۲۰</sup> (روم ۲۱) و اهداف دیگر که مترتب بر این ازدواج است مثل صیانت از ایمان و دین باوری، برآورده شدن غرایز جنسی، تولید نسل، تشکیل جامعه همه در سایه رفاه و آرامش روحی و روانی ممکن است که زن و مرد در کنار همدیگر برای بدست آوردن آن قرار می‌گیرند و تکمیل کننده یک دیگر هستند این هم پذیری یک سلسله حقوق و تکالیف رانیز بر طرفین ثابت می‌نماید که بارعایت آن مهر و محبت در بین زن و مرد افزایش یافته و رسیدگی به امورات زندگی بهتر انجام می‌گیرد، فقهای اسلام مسائل مربوط به خانواده را که شامل احکام نکاح دائم و منقطع، اسباب موانع ازدواج، مهریه، نفقه، احکام اولاد و تمامی احکام خانواده را در کتب فقهی از منابع اصلی فقه استنباط نموده اند و بدین گونه خانواده احکام ویژه و مربوط به خود را در قلمرو فقه دارد.

## ۲. طلاق در فقه

یکی از مسائل اجتماعی که در امور خانواده، مورد بررسی فقهای اسلام قرار گرفته است مسئله طلاق است، باید گفت طلاق در اسلام بعد از انجام تدابیر و راه کار های همانند سفارش به صبر و گذشت، تعیین داور از طرفین در منازعات<sup>۲۱</sup> (نساء ۳۵)، نصیحت و دعوت طرفین به تعامل، و عوامل متعدد دیگر که برای جلوگیری از طلاق در فقه ارائه شده است، تشریح گردیده و فقه اسلامی با اینکه طلاق را مذموم دانسته<sup>۲۲</sup> (عاملی: ۱۴۰۹، ۲۲، ۹) آن را به عنوان آخرین راه حل تنازع و تنش میان زوجین معرفی کرده است.

## تعریف طلاق

طلاق در لغت به معنای جدائی، گشودن، و رهاکردن آمده است (قرشی: ۱۴۱۲، ۴، ۲۳۱) زحیلی می‌گوید<sup>۲۳</sup>: طلاق در لغت به معنای گشودن قید و رهای است و به ناقه که رها شده ناقه

طالق گفته می‌شود اما در عرف طلاق تخصیص به گشودن قید معنوی خورده است که مقصود همان رهای زن است، و در اصطلاح شرع طلاق به گشودن قید نکاح و یا عقد نکاح بواسطه لفظ طلاق و امثال آن اطلاق شده است (الزحیلی، الفقه الاسلامی وادلته، ۹، ۶۸۷۳). صاحب جواهر در تعریف اصطلاحی طلاق می‌نویسد:<sup>۲۴</sup> (نجفی: ۱۴۰۴، ۳۲، ۲) طلاق عبارت است از ازاله قید نکاح بدون عوض که به واسطه صیغه طالق واقع می‌شود.

### اقسام طلاق

ا. طلاق بدعی و حرام طلاق که برخلاف شرایط مقرر در شرع واقع شده باشد همانند طلاق زن حائض  
ب. طلاق سنی و مشروع همانند طلاق بائن که مرد حق رجوع ندارد و طلاق رجعی که مرد در زمان عده حق رجوع دارد (همان، ۱۱)

### حکم طلاق

زحیلی می‌گوید:<sup>۲۵</sup> طلاق در قرآن، سنت و اجماع مسلمین مشروع دانسته شده است (الزحیلی، الفقه الاسلامی وادلته، ۹، ۶۸۷۳). صاحب جواهر در کتاب طلاق مباحث ارکان طلاق، اقسام طلاق و تمام جزئیات آن را به بحث گرفته و با استناد به ادله این مباحث را تحقیق و استنباط نموده است (نجفی: ۱۴۰۴، ۳۲، ۳) می‌شود گفت تمام فقهای اسلامی طلاق را مشروع دانسته و در نحوه اجرای آن مقدمات را لحاظ کرده اند که برای آشتی دادن و حفظ خانواده مهم می‌باشد اما همگی جواز آن را به عنوان راه حل نهایی تخصصی بین زن و شوهر می‌دانند.

### ادله قرآن

قرآن کریم می‌فرماید<sup>۲۶</sup> (بقره ۲۲۹)  
طلاق، (طلاق که رجوع و بازگشت دارد)، دو مرتبه است (و در هر مرتبه)، باید به طور شایسته همسر خود را نگاهداری کند (و آشتی نماید)، یا با نیکی او را رها سازد (و از او جدا شود) (مکارم ۱۳۷۳ آیه فوق)



نقش تمدن‌ساز تشیع در گستره گستره فقه نسبت به امور خانواده و تربیت □ ۱۰۵

در آیه دیگر می‌فرماید<sup>۲۷</sup> (طلاق ۱) ای پیامبر! هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عدّه، آنها را طلاق گویند [زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و با همسرشان نزدیکی نکرده باشند، و حساب عدّه را نگه دارید (مکارم: ۱۳۷۳ آیه فوق)].

### ادله روایی

قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم)<sup>۲۸</sup> إنما الطلاق لمن أخذ بالساق. روایتی که توسط فقهای شیعه و سنی برای اثبات وجود اختیار طلاق در دست مرد مورد استناد قرار گرفته است، روایت ابن عباس از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) است که فرموده‌اند «طلاق در دست همان کسی است که ساق را می‌گیرد و منظور زوج است. در حدیث دیگر آمده است قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم)<sup>۲۹</sup> (ابوالقاسم: ۱۳۸۲، ۱۵۷)

منفورترین چیزهای حلال در پیش خدا طلاق است، این حدیث اگر چه دلالت بر منفور بودن طلاق در شرع دارد اما حلیت و جواز آن را در صورت ضرورت ثابت می‌کند. با توجه به قرآن و سنت و اجماع فقها، مشروعیت طلاق ثابت است و این حکم تنها زمان اجرا می‌گردد که زن و شوهر براساس فقه راه کارهای آشتی‌پذیری را طی کرده باشد و دگر ادامه ای زندگی مشترک امکان نداشته باشد برای پایان بخشی به خصومت، طلاق آخرین راه شناخته شده است.

### ۳. ارث

در جامعه انسانی اختلافهای ارثی از دیر زمان وجود داشته و حوادث تلخ و ناگوار برسر تقسیمات ارث، نظام خانواده و خویشاوندی را به تهدید گرفته و گاهاً باعث مشکلات و حوادث شده است که تبعات آن در جامعه موجب می‌شود تعاملات اجتماعی بهم بخورد، فقه اسلامی که همواره پشتیبان خانواده سالم و جامعه ای با نشاط بوده است برای حفظ خانواده ها بعد از دست دادن یک بزرگ، و آسایش جامعه قواعد فرائض و موارث را وضع کرده که فقهای اسلام آن را با توجه به منابع فقه تبیین نموده تا بارعایت آن کانون خانواده محفوظ و آشتی بین وراث برقرار

باشد و جامعه از برخورد های ناشایست و بی عدالتی مصئون بماند.

## تعریف

در فقه اسلامی از مباحث ارث تعبیر به فرائض گردیده و بعض فقها تحت عنوان کتاب فرائض مسئله را مورد بررسی قرار داده اند، در تعریف این واژه قرشی می نویسد: فرض به معنای قطع و تعیین. آمده در نهاییه گوید: اصل فرض بمعنی قطع است راغب فرض را قطع شیء محکم و تأثیر در آن، گفته است (راغب: ۱۴۱۲، ۶۳۰) در مصباح تقدیر و اندازه گیری معنی میکند. در قرآن مجید بمعنی تعیین و ایجاب بکار رفته که هر دو نوعی قطع و تقدیراند (قرشی: ۱۴۱۲، ۵، ۱۶۱) بنا بر آنچه صاحب جواهر (رحمه الله) آورده فرائض جمع فریضه و از فرض گرفته شده و به معنای تقدیر، قطع و جدا کردن و یا به معنای عطیه و بخشش می باشد که گویا ارث یک عطیه از جانب شارع است. امداد شرع فرائض به معنای سهام است که در قرآن کریم برای وراثت مقدر و معین شده است که با این تعریف موارد اعم از فرائض می باشد (نجفی: ۱۴۰۴، ۳۹، ۵) زحیلی در تعریف ارث می نویسد ارث عبارت از هر آن چیزی است که میت به جایش می گذارد چه اموال باشد یا حقوق که وارث شرعی بعد از موت مورث به آن می رسد (الزحیلی، الفقه الاسلامی وادلته، ۱۰، ۷۶۹۷).

## حکم

فقهای اسلام فرائض و موارد را در تمام کتب های فقهی آورده اند و در تشریح آن متفق هستند و مباحث آن را با تمام جزئیات (اعم از موجبات، موانع، حجب، و مقادیر سهام...) با توجه منابع فقه بررسی نموده و احکام آن را بیان داشته اند، شیخ مفید (رحمه الله علیه) در بیست و هفت مسئله و دو فصل احکام فرائض را با استدلال فقهی بررسی نموده و احکام آنرا بیان داشته است (مفید: ۱۴۱۳، ۶۸۰ - نجفی ۱۴۰۴، ۳۹، ۷ - الزحیلی، الفقه الاسلامی وادلته، ۱۰، ۷۷۰۳ - کاشف الغطا: ۱۴۲۲، میراث، ۳)

## ادله قرآن

قرآن کریم می‌فرماید<sup>۳۰</sup> (نساء: ۱۱) خداوند در باره فرزندانان به شما سفارش می‌کند که سهم (میراث) پسر، به اندازه سهم دو دختر باشد و اگر فرزندان شما، (دو دختر و) بیش از دو دختر باشند، دو سوم میراث از آن آنهاست و اگر یکی باشد، نیمی (از میراث)، از آن اوست. و برای هر یک از پدر و مادر او، یک ششم میراث است، اگر (میت) فرزندی داشته باشد و اگر فرزندی نداشته باشد، و (تنها) پدر و مادر از او ارث برند، برای مادر او یک سوم است (و بقیه از آن پدر است) و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش یک ششم می‌برد (و پنج ششم باقیمانده، برای پدر است). (همه اینها)، بعد از انجام وصیتی است که او کرده، و بعد از ادای دین است - شما نمی‌دانید پدران و مادران و فرزندانان، کدامیک برای شما سودمندترند!- این فریضه الهی است و خداوند، دانا و حکیم است (مکارم: ۱۳۷۳ آیه فوق)

قرآن کریم در آیه دیگر با توجه به ارث بانوان می‌فرماید<sup>۳۱</sup> (نساء: ۱۲)

و برای شما، نصف میراث زنانان است، اگر آنها فرزندی نداشته باشند و اگر فرزندی داشته باشند، یک چهارم از آن شماست پس از انجام وصیتی که کرده‌اند، و ادای دین (آنها). و برای زنان شما، یک چهارم میراث شماست، اگر فرزندی نداشته باشید و اگر برای شما فرزندی باشد، یک هشتم از آن آنهاست بعد از انجام وصیتی که کرده‌اید، و ادای دین. و اگر مردی بوده باشد که کلاله [خواهر یا برادر] از او ارث می‌برد، یا زنی که برادر یا خواهری دارد، سهم هر کدام، یک ششم است (اگر برادران و خواهران مادری باشند) و اگر بیش از یک نفر باشند، آنها در یک سوم شریکند پس از انجام وصیتی که شده، و ادای دین بشرط آنکه (از طریق وصیت و اقرار به دین،) به آنها ضرر نزنند. این سفارش خداست و خدا دانا و بردبار است (مکارم: ۱۳۷۳ آیه فوق)

در آیه دیگر می‌فرماید<sup>۳۲</sup> (انفال: ۷۵) و خویشاوندان نسبت به یکدیگر، در احکامی که خدا مقرر داشته، (از دیگران) سزاوارترند (مکارم: ۱۳۷۳ آیه فوق).

## ادله روایی

در روایتی<sup>۳۳</sup> (عاملی: ۱۴۰۹، ۲۶، ۶۳) مرحوم کلینی از گروهی از شیعیان از احمد بن محمد

از ابن محبوب از ابن بکیر از زراره نقل کرده است که طبق این سند حضرت صادق (علیه السلام) در ذیل آیه **وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ** فرمودند: خداوند تنها اولوا الارحام درون ارث را قصد کرده هست نه موالی نعمت را. بنابراین در ارث بردن کسی به میت اولی می باشد که به آن رَحْمی که او را به سوی میت می کشاند نزدیک تر باشد. این روایت را صاحب وسائل از کافی و تهذیب نقل نموده و مجلسین اعلی الله مقامهما این حدیث را موثق کالصحیح میدانند (مجلسی: ۱۴۰۶، ۱۵، ۲۲۳-۲۲۴، ۱۱، ۲۱۴).

در حدیث دیگر<sup>۳</sup> (عاملی: ۱۴۰۹، ۲۶، ۶۴) مراتب اولویت را در ارث بردن به خوبی توضیح و بیان داشته است و از نظر سند نیز صحیح می باشد همچنان احادیث دیگر که چگونگی ارث بردن وراث نسبی و سببی را بیان داشته اند در کتاب فرائض و مسائل الشیعه آمده است و تمام جزئیات و نحوه تقسیم ارث را توضیح داده که برای تحقیق بیشتر به آنجا میتوان مراجعه نمود.

باید گفت یکی از مسائل که در حوزه اجتماعی و امور خانواده در فقه مورد بررسی قرار گرفته مسئله ای ارث می باشد فقه اسلامی برای حفظ و پشتیبانی از خانواده قواعد فرائض و مواردی را وضع کرده و فقهای اسلام در تشریح ارث متفق هستند و با توجه به منابع فقهی مسائل و جزئیات آن را تبیین نموده است قرآن کریم به عنوان اصلی ترین منبع فقه اسلامی تقسیمات ارث را توضیح داده و سهم هر وارث را بیان داشته، در لسان روایات نیز (البته با حفظ درجات تقدم) اقربای مقدم شده است که با مورث پیوند نسبی (پیوند رحمی) و سببی داشته باشد.

### دید گاه فقها نسبت به امور تربیتی در فقه

دومین مسئله که در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد بحث تربیت در فقه اسلامی می باشد برای اینکه به مصادیق دقیق، تربیت دست یابیم باید مفاهیم این واژه را بررسی کنیم.

#### تربیت در لغت واصطلاح

بر اساس آنچه در کتب لغت آمده تربیت مصدر باب تفعیل بوده و دارای سه ریشه می باشد.

۱. فعل مهموز از ربا یر بؤ به معنایی رشد کردن، بالیدن و نمو پیدا کردن آمده این منظور می گوید: **رَبَا الشَّيْءُ يَرْبُو رُبُوًّا** و **رَبَاءٌ**: زاد و نما، یعنی چیزی نمو ورشد پیدا کرد (ابن

منظور: (۱۴۱۴، ۱۴، ۳۰۴)

۲. فعل ناقص از ربایری به معنایی افزودن، پروراندن و رویانیدن در التحقیق آمده: <sup>۳۵</sup> معنای این ماده انتفاخ و برجسته شدن است یعنی چیزی در ذات خود برجسته گردد و برآن افزوده شود (مصطفوی: ۱۳۶۸، ۴، ۳۵) وی معتقد است این مفهوم بر بسیاری از اهل لغت مشتبه شده و معانی مختلف فوق را از آن اراده کرده اند که میتوان گفت این معانی از لوازم معنای اصلی است نه خود آن.

۳. فعل مضاعف از رب یرب به معنایی افزودن، پروردن، سرپرستی و رهبری کردن، رساندن به فرجام. را غب تربیت را ترقی گام به گام و پیوسته بودن هر چیزی می‌داند تا به انجام برسد <sup>۳۶</sup> (راغب: ۱۴۱۲، ۳۳۶).

تربیت در اصطلاح و اندیشه دانشمندان علوم اسلامی

علامه طبرسی در مجمع البیان واژه رب را مشتق از مصدر تربیه دانسته و آنرا به معنای سوق دادن چیزی به سمت رشد و کمال می‌داند (طبرسی: ۱۳۷۲، ۱، ۹۵). باید گفت آنچه در اندیشه دانشمندان علوم تربیتی شکل گرفته تربیت از ریشه مضاعف کاربرد بیشتر دارد در تفسیر نمونه می‌خوانیم: رب در اصل به معنای مالک و صاحب چیزی است که به تربیت و اصلاح آن می‌پردازد. پس باید توجه داشت که رب از ماده ر ب است نه ر ب و در ماده مضاعف معنای پرورش و تربیت نهفته است (مکارم: ۱۳۷۴، ۱، ۳۵).

شهید مطهری (رحمه الله) در باره معنای اصطلاحی تربیت می‌نویسد تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن. و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است (مطهری: ۲۲، ۵۵۱، مجموعه آثار)

علامه مصباح یزدی (حفظه الله) در تعریف تربیت می‌گوید: تربیت، فراهم کردن زمینه‌هایی است برای این‌که استعدادها و نیروهای یک موجود رشد کند تا بتواند از این نیروها برای رسیدن به کمال خودش بهره‌مند شود (جمعی از نویسندگان: ۱۳۸۸، ۲۸)

از تعاریف فوق به این نکته می‌رسیم که تربیت به شکوفایی و رشد گفته می‌شود که خمیر

مایه آن در فطرت و درون انسانها نهفته است و متربی باید در حوزه‌های متفاوت عقلی، علمی، اخلاقی، و دینی رشد نماید و به کمال برسد که فقه اسلامی در تمام این زمینه‌ها احکام اعم از واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح را دارد و فقیه عهده دار استنباط آن از منابع اصلی فقه می‌باشد.

## فقه و نظام تربیتی

فقه اسلام مبتنی بر مصالح و مفاسد است، که واقعیت داشته و جنبه‌های مختلف آن در زندگی انسان قابل ملاحظه می‌باشد مثلاً شرب خمر که در فقه حکم حرمت دارد، تأثیرات مخرب آن بر فرد و جامعه ملموس می‌باشد و حقیقت دارد، لذا دستورات تربیتی فقه اسلام به منظور رشد و کمال متربی و براساس واقعیت‌ها شکل گرفته است. که میتوان گفت در یک نگاه کلان، فقه در امور تربیتی به حوزه‌های (حفظ سلامت جسمی، حفظ سلامت روحی و روانی، حفظ سلامت اجتماعی و اخلاقی). حکم دارد و مورد استنباط فقهای اسلام واقع شده است که به اختصار به موارد از آن اشاره می‌شود.

## دید گاه فقها نسبت به امور تربیتی

### أ. حفظ و تربیت جسمی

فقهای اسلام سلامت جسمی را پایه و اساس سلامت روحی و روانی و عقلی دانسته و به آن توجه خاص دارد و حفظ و سلامت بدن را واجب میدانند و با توجه به این اصل احکام آن را استنباط نموده است.

استاد شهید مطهری (رحمه الله) می‌نویسد: جای شك و تردید نیست که تعلیمات اسلام براساس حفظ و رشد و سلامت جسم است. علت حرمت بسیاری از امور، مضر بودن آنها به حال بدن است. یکی از مسلمات فقه این است که بسیاری از امور به این دلیل تحریم شده‌اند که برای جسم انسان ضرر دارند، و يك اصل کلی برای فقها مطرح است که هر چیزی که محرز بشود که برای جسم انسان مضر است - ولو هیچ دلیلی از قرآن و سنت نداشته باشد - قطعاً حرام است.

البته این را هم می‌گویند که زیانها بعضی معتدّ به هستند و بعضی غیر معتدّ به یعنی زیان آنقدر کم است که قابل اعتنا نیست. اسلام در تکالیف خود حَرَج ایجاد نمی‌کند؛ یعنی این مقادارها را از نظر اسلام تحریم نمی‌کنند، به صورت مکروه ذکر می‌شود یا می‌گویند ترکش مستحب است. ولی اگر يك چیزی زیانش قطعی باشد و مسلم بشود که زیان دارد، از نظر اسلام قطعاً حرام است (مطهری: ۲۲، ۶۸۹ مجموعه آثار).

واضح است این حرمت و زیان که در کلام استاد شهید مطرح است به خاطر رشد سالم و صحت بدن انسان می‌باشد که براساس قاعده نفی ضرر، زیان رساندن به تن انسان جائز نمی‌باشد فقهای اسلام با استناد به آیه ( لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ وَبَوْلِدُهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ. بقره ۲۳۳) هیچ کس موظّف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر (و آیه های دیگر از قرآن این قاعده را بدست آورده اند.

### نمونه مستند روایی

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده<sup>۳۷</sup> که رسول خدا بین شرکاء در باره حق شفعه در مورد زمین و مسکن قضاوت نمود و فرمود حکم ضرری و زیان آور در اسلام نیست زمان که زمین و مسکن علامت گذاری شود و مشخص گردد دیگر ضرر و زیان وجود ندارد چون حق شفعه با علامت گذاری از بین می‌رود (کلینی: ۱۴۰۷، ۵، ۲۸۰) این حدیث براساس گزارش درایة النور مؤثق و مسند می باشد و در منتقى الاصول نیز موثوقه الصدور دانسته که از طریق فریقین روایت شده است (روحانی: ۱۴۱۳، ۵، ۳۸۳).

باید گفت اگرچه مورد حدیث حق شفعه است اما قاعده لاضرر که در فقه مطرح شده عمومیت دارد و بر هرنوع ضرری منطبق می باشد، ازین جهت دانشمندان فقه اسلامی با توجه به تربیت سالم جسم انسان، به معرفی انواع خوردنی ها و آشامیدنی ها، احکام و آداب آن در فقه پرداخته اند، و احکام مستحب، مکروه، طهارت و نجاست را برآن جاری دانسته اند و برای حفظ سلامتی که واجب شرعی است گاهی حکم واجب، بدل به حرام می‌شود همانند روزه گرفتن شخص بیمار در صورت که برایش ضرر داشته باشد، به فتوای فقها باطل و حرام است<sup>۳۸</sup>. احکام

ذبح حیوانات و شکار آنها که تاثیر در تربیت و روح انسان دارد نیز مورد توجه فقها قرار گرفته، صاحب جواهر (رحمه الله) مباحث فوق را با ادله آن بررسی و از منابع فقه مورد استنباط قرارداده و جزئیات آنرا در کتاب گران سنگ جواهرالکلام بیان نموده است (نجفی: ۱۴۰۴، ۳۶، ۲۳۶).

## ب. حفظ و تربیت معنوی

فقه اسلامی چون منشأ و حیانی وربوبی دارد و خالق هستی با علم کامل و سیطره ای که بر مخلوق دارا است نه تنها به تربیت جسمی انسان ها توجه داشته بلکه به تربیت معنوی و ایمانی انسان نیز عنایت دارد و برای این مهم در فقه احکام را بیان داشته و انسان هارا برای آرامش روحی و روانی به عبادت و پرورش روح فراه خاندن است (ذاریات ۵۶)<sup>۳۹</sup> تربیت معنوی رابطه انسان را با خدا، جهان، زندگی دنیا و آخرت شکل می دهد و فقهای اسلام با توجه به منابع فقه راه های ارتباطی انسان را با خدا در قالب عبادت و رازونیز در کتاب های مختلف فقهی مورد بررسی قرارداده است و بخش مهم فقه اسلامی را امور عبادی چون نماز، روزه، حج تشکیل میدهد که تا ثیر این امور به تربیت فردی و اجتماعی انسان بسیار چشم گیر می باشد و ذکر و یاد خدا مایه ای آرامش روحی و روانی انسان می گردد هم چنانکه اعراض از یاد خدا باعث سختی زندگی و برچیده شدن آسایش زندگی می شود (طه ۱۲۴)<sup>۴۰</sup>

## حفظ و تربیت اجتماعی

در اسلام روابط اجتماعی از کوچک ترین واحد آن یعنی خانواده شروع می شود در این جهت فقه اسلامی روابط اجتماعی را از همان روابط اولیه پدر و مادر در نظر گرفته و احکام را برای آن در کتاب نکاح بیان داشته و در ادامه به بیان احکام اولاد، فامیل و بستگان پرداخته که به دین گونه فقه بر روابط اجتماعی انسان در سطوح مختلف و عالی با بیان تکالیف و مقررات مربوط به آن در کتاب های فقهی اقدام نموده و احکام آن را بیان نموده است.

باید گفت فقه اسلامی به عنوان برنامه کامل زندگی انسان به تربیت اجتماعی انسان توجه ویژه دارد و در این راستا قواعد و مقررات فقهی برای روابط سالم اجتماعی انسانها بواسطه فقهای اسلام از منابع فقه تبیین گردیده.



نقش تمدن‌ساز تشیع در گستره گستره فقه نسبت به امور خانواده و تربیت □ ۱۱۳

ابواب که در فقه اسلامی تاثیر گذاری بر تربیت اجتماعی انسان دارد بخش عمده فقه را تشکیل می‌دهد ابواب همانند معاملات، تجارت، اجاره، صلح، بیع، مزارعه، مساقات، مضاربه، نکاح، طلاق، ارث، حدود، تعزیرات، دیات، و امر به معروف و نهی از منکر<sup>۱</sup> تجلی گاه ارتباط اجتماعی انسان در فقه می‌باشد و فقه در تمامی این عرصه‌ها حضور فعال و محوری دارد که احکام آن با تمام جزئیات در کتب فقهی تبیین گردیده و نقش آن در تربیت اجتماعی انسان به عنوان فرد مسلمان و عامل به احکام الهی روشن و مبرهن است و میتوان گفت عامل به این احکام گامهای استوار و بلند را بسوی فلاح و رستگاری دنیا و آخرت برمی‌دارد.

### حفظ و تربیت عقلانی

فقه اسلامی در دو عرصه به مباحث عقل توجه نموده است که تربیت عقلانی را می‌شود از آن استفاده نمود.

### ج. جایگاه عقل

در فقه اسلامی عقل از جایگاه با عظمتی برخوردار است به گونه که در تمام احکام ابواب فقه، سلامت عقل و عاقل بودن مکلف از شرایط عامه تکلیف به حساب می‌آید و آنان که سلامت عقلی ندارند مکلف شرعی گفته نشده و احکام فقه به آنها تعلق نمی‌گیرد.  
(نجفی ۱۴۰۴، ۱۶، ۳۲۷-خوانساری ۱۴۰۵، ۲، ۱۸۹-حلی ۱۴۱۴، ۷، ۲۳).

### د. حفظ سلامت عقل

در فقه اسلام به حفظ سلامت عقل خیلی اهمیت داده شده و به همین جهت چیزهای که زائل کننده عقل می‌باشد همانند شراب در فقه حرام شمرده شده و مکلف باید از آن خودداری نماید. زحیلی در این رابطه می‌نویسد و تحریم الخمر للحفاظ علی مقیاس الخیر والشر وهو العقل (زحیلی، الفقه الاسلامی وادلته، ۳، ۱-نجفی ۱۴۰۴، ۶، ۳ و ۴۵۰)  
این عظمت جایگاه و دستور حفظ سلامت عقل، بیان گر آن است که فقه به رشد و سلامت عقل توجه دارد و این توجه آنجا به حد اعلی می‌رسد که عقل در فقه اسلامی یکی از منابع احکام

حساب شده و در مسیر استنباط احکام همواره به عقل و قدرت فهم و درک عقلی اعتماد می‌شود.

### حفظ و تربیت اخلاقی

به وضوح شاهد هستیم که احکام فقه اسلامی تأثیر اخلاقی، ژرف دارند مثلاً نماز، روزه، پرداخت صدقات و عبادات مالی، از جمله احکامی هستند که جنبه های اخلاقی آن بسیار برجسته و چشم گیر می‌باشد، نماز انسان را از تخلفات و زشتیها باز می‌دارد تواضع و نیکی را به انسان می‌آموزد و باعث جلای روح انسان می‌گردد روزه صبر و شکیبائی متانت و بندگی را به انسان یاد می‌دهد و ادای واجبات مالی به انسان می‌آموزد توجه به هم نوعش و فقرا و مستمندان داشته باشد واضح است که همه ای این امورات مهم در سایه حکم فقهی انجام می‌شود و حضور فقه را در عرصه های تربیت اخلاقی نشان میدهد برعلاوه فقه مباحث اخلاقی همانند غیبت، کذب، تهمت و سخن چینی را به بررسی گرفته که نشان ورود فقه به مباحث اخلاقی می‌باشد (نجفی: ۱۴۰۴، ۲۲، ۷۲ و ۴۱، ۵۸-انصاری، ۱۴۱۵، ۱، ۳۱۵ و ۳۱۹).

### مراحل و اصول تربیت

از جمله مباحث که نقش آن در امور تربیتی قابل توجه است و در فقه اسلامی مطرح گردیده مراحل و اصول تربیت می‌باشد دانشمندان اسلام طبق ادله فقهی مراحل تربیت را چنین تبیین نموده اند

مرحله تمهیدیه قبل از تولد.

مرحله تولد تا سن تمییز.

مرحله تمییز.

مرحله رشد و بلوغ.

مرحله پس از رشد. ( اعرافی ۱۳۹۵-ش ۳۶-۱۱۳-۱۳۱. بناری ۱۳۸۱ ش ۵۷ مقاله پنجم)

در فقه اسلامی احکام تمام این مراحل از منابع اصلی فقه استنباط گردیده و بیان شده است.

همچنین در فقه اسلامی مباحث مطرح است که اصول تربیت را تبیین می‌نماید، به بعض آنها

مختصراً اشاره می‌شود.

۱. اصل رعایت مقررات شرعی در فرایند تربیت.
  ۲. اصل توجه به توانایی و تمکن مکلف در فعلیت تکلیف.
  ۳. اصل تخفیف و مسامحه.
  ۴. اصل ارائه جایگزین‌ها همانند تیمم بدل غسل و یا اطعام فقیر بدل روزه داری.
- اصول یادشده در دانش تربیت، کاربرد مهم دارد که فقه به آن پرداخته و به عنوان نقشه‌ای راه برای مربی و مربی ارائه داده است.
- باعنایت به مطالب فوق در می‌یابیم که فقه اسلامی در حوزه تربیت ورود داشته و ساحات تربیت از توجه فقه دور نبوده است همچنان در یافتیم که مباحث و مطالب تربیتی با گستره کلان در فقه مورد بررسی قرار گرفته که حضور فعال فقه را در این عرصه نشان می‌دهد.

### جمع بندی و نتیجه گیری

گستره فقه در امور خانواده که زیربنای تشکیل جامعه است شمول دارد، از اختصاص یک باب به باب نکاح و تشویق فقه نسبت به تشکیل خانواده و مبغوضیت طلاق و همچنین طرح مباحثی چون ارث و... بیانگر این است که در فقه خانواده یک اصل است، به دنبال تشکیل خانواده نظام تربیتی جامع و تأثیر گذار را برای صیانت از کیان خانواده طراحی و در ساحه‌ها مختلف زندگی مانند تربیت جسمی، معنوی، عقلانی، اخلاقی و... را فراروی خانواده‌ها قرار می‌دهد و برای آن معیار و اصول تعریف می‌نماید که دانشمندان تربیتی و علمای اخلاق از آن به مراحل و اصول تربیت نام می‌برند و هدف از نظام تربیتی حفظ و صیانت خانواده از انحراف و کجرویهای تربیتی و اخلاقی است که ممکن است بر اثر کم توجهی یا بی توجهی خانواده‌ها عاید حال آنان گردند.

## پی نوشت

- ١- «الْفِقْهُ فِي الْأَصْلِ الْفَهْمُ. يُقَالُ: أُوْتِيَ فُلَانٌ فِقْهًا فِي الدِّينِ أَي فَهَمًا فِيهِ»
- ٢- «الْفِقْهُ: هُوَ التَّوَصُّلُ إِلَى عِلْمٍ غَائِبٍ بِعِلْمٍ شَاهِدٍ، فَهُوَ أَخْصَصَ مِنَ الْعِلْمِ»
- ٣- «وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ». منافقون/ ٧.
- ٤- «فَمَا لَهُؤَلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا». نساء/ ٧٨.
- ٥- «قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِمَّا تَقُولُ وَ إِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا».
- ٦- «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ».
- ٧- در کلام امام صادق (علیه السلام) آمده است: «تَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ مِنْكُمْ فَهُوَ أَعْرَابِيٌّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ وَ در صحیحہ حماد نیز آمده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَتَقَّهْهُ فِي الدِّينِ». محمدبن یعقوب، کلینی، الکافی، ج ١، ص ٣٢.
- ٨- «عن ابی عبد الله (علیه السلام) قَالَ: لَوِدِدْتُ أَنْ أَصْحَابِي ضُرِبَتْ رُءُوسُهُمْ بِالسَّيَاطِ حَتَّى يَتَفَقَّهُوا». همان، ص ٣١.
- ٩- النکاح الوطء، و یقال علی العقد فقیل مشترک بینهما، و قیل حقیقه فی الوطء مجاز فی العقد.
- ١٠- أصل النکاح فی کلام العرب الوطء، و قیل للتزویج نکاح لأنه سبب للوطء المباح.
- ١١- وهو فی الشرع عقد التزویج، و الزواج شرعاً، عقد یتضمن إباحة الاستمتاع بالمرأة.
- ١٢- النکاح مشروع، بل مستحب لمن تاقت و اشتاقت نفسه إلیه، من الرجال و النساء کتابا و سنة، مستفیضة أو متواترة، و إجماعاً بقسمیه من المسلمین فضلاً عن المؤمنین.
- ١٣- الزواج مشروع بالکتاب و السنة و الاجماع.
- ١٤- وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.
- ١٥- وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَمَامَى فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثَلَاثَ وَ رِبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَى أَلَّا تَعُولُوا.

۱۶- وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) تَزَوَّجُوا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّرْوِيجَ.

۱۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ وَ عَبْدِ اللَّهِ ابْنَيْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) فَشَكَا إِلَيْهِ الْحَاجَةَ فَقَالَ تَزَوَّجْ فَتَزَوَّجَ فَوَسَّعَ عَلَيْهِ.

۱۸- قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) لِرَجْعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ عَزَبَ يَوْمٌ لَيْلَهُ وَ يَصُومُ نَهَارَهُ.

۱۹- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْجَامُورَانِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ كُلَيْبِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نَيْصَ دِينِهِ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النَّصْفِ الْآخِرِ أَوْ الْبَاقِي.

۲۰- وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.

و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند

۲۱- وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا نساء

۲۲- وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الطَّلَاقِ. تَزَوَّجُوا وَ لَا تَطْلُقُوا فَإِنَّ الطَّلَاقَ يَهْتِزُّ مِنْهُ الْعَرْشُ.

۲۳- الطلاق لغة، حل القيد والإطلاق، ومنه ناقة طالق، أي مرسله بلا قيد، لكن العرف خص الطلاق بحل القيد المعنوي، وهو في المرأة، وشرعاً: حل قيد النكاح، أو حل عقد النكاح بلفظ الطلاق ونحوه.

۲۴- الطلاق ازاله قيد نكاح بدون عوض بصيغه طالق.

۲۵- الطلاق مشروع بالكتاب والسنة والإجماع.

۲۶- الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فِيمَسَاكٍ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَشْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ.

۲۷- يَأْبَى النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلَّقْتُمُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ.

۲۸- إنما الطلاق لمن أخذ بالساق، محمد بن احمد، ابن ادریس، السرائر ج ۲ ص ۶۰۰ كنز العمال: كتاب

الطلاق، الفرع الأول. أخرجه عن الطبراني عن ابن عباس، ج ۹، ص ۶۴۰. وفي سنن ابن ماجه: كتاب

الطلاق، باب (۳۱) طلاق العبد، بإسناده عن ابن عباس عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم- في حديث



و لوازمه و ما یقرب منه، كالزیادة المطلقة، و الفضل، و النماء، و الانتفاخ، و الطول، و العظم، و الزکا، و النشأ، و العلا.

۳۶- الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ: التَّربِيَةُ، وَهُوَ إِثْنَاءُ الشَّيْءِ حَالًا فَحَالًا إِلَى حَدِّ التَّمَامِ، يُقَالُ رَبَّهُ، وَرَبَّاهُ وَرَبَّبَهُ.

۳۷- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالشُّفْعَةِ بَيْنَ الشُّرَكَاءِ فِي الْأَرْضِيِّينَ وَالْمَسَاكِينِ، وَقَالَ: لَا ضِرَارَ وَلَا ضِرَارَ، وَقَالَ: إِذَا رُقَّتِ الْأَرْفُ، وَحَدَّتِ الْحُدُودُ فَلَا شُفْعَةَ.

۳۸- سید روح الله، خمینی، رساله توضیح المسائل مسئله ۱۷۳۹-۲۵۸۳-۲۶۲۴ و سید علی سستانی رساله توضیح المسائل مسئله ۲۵۸۹-۱۷۰۸-۱۶۹۵-۲۶۵۳-۲۶۰۰

۳۹- وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ. مَنْ جَنَّ وَ انْسَ رَا نِيَا فَرِيْدِمَ جَزَ بَرَايَ اَيْنِكِهَ عِبَادَتِمَ كَنَنْدَ (وَ اَز اَيْنَ رَاهَ تِكَاْمَلِ يَابَنْدَ وَ بَهَ مِنْ نَزْدِيكِ شُونَدَ).

۴۰- الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ الرَّعْدُ ۲۸. وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى.

۴۱- صاحب جواهر (رضوان الله عليه) در جواهرالكلام مسائل و جزئیات تمامی این کتب را از منابع فقه بررسی و تبیین نموده است.

## کتابنامه

### قرآن کریم.

- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ناشر: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر ۱۴۱۴ هـ ق چاپ: سوم بیروت - لبنان
- اصفهانى، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، دار العلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ هـ ق بناری، علی همت، نگاهی به تعامل فقه و تربیت با تأکید بر نقش فقه در تربیت، معرفت، ۱۳۸۱ ش ۵۷
- پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله) دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش
- جمعی از نویسندگان، تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر: گفت و گوها / قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، انتشارات، ۱۳۸۸.
- جعفر پیشه، مصطفی، فقه الدوله: ۱۳۹۸
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام مکان چاپ: قم سال چاپ: ۱۴۰۹ ق نوبت چاپ: اول
- حسن بن یوسف علامه، تذکره الفقها ج ۲، ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، تاریخ نشر: ۱۴۱۴ هـ ق نوبت چاپ: اول مکان چاپ: قم - ایران
- خوانساری، سید احمد بن یوسف، جامع المدارك في شرح مختصر النافع، مؤسسه اسماعیلیان ۱۴۰۵ هـ ق
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه ج ۲ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۸۵
- روحانی، محمد، منتقى الأصول، دفتر معظم له، ۱۴۱۳
- الزحیلی وهبه بن مصطفی، الفقه الاسلامی وادلته، ج ۲، ناشر: دار الفكر سوریه دمشق
- شیخ مفید، المقنعه، ناشر: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمة الله علیه، تاریخ نشر: ۱۴۱۳ هـ ق،



نقش تمدن ساز تشیع در گستره گستره فقه نسبت به امور خانواده و تربیت □ ۱۲۱

---

- نوبت چاپ: اول، مکان چاپ: قم- ایران  
صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ هـ ق  
طبرسی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲ ش  
طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین ج ۲، ناشر: مرتضوی، مکان چاپ: تهران، سال چاپ: ۱۳۷۵  
ش، نوبت چاپ: سوم  
علی رضا، اعرافی، تأثیرات فقه بر نظام تربیتی، راهبرد فرهنگ، ۱۳۹۵، ش، ۳۶.  
قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ۷ جلد، دار الکتب الإسلامیة، تهران - ایران، ششم، ۱۴۱۲ هـ ق  
کاشف الغطاء، حسن بن جعفر، انوار الفقاہه کتاب حج، ناشر: مؤسسه کاشف الغطاء، تاریخ  
نشر: ۱۴۲۲ هـ ق، نوبت چاپ: اول، مکان چاپ: نجف اشرف- عراق  
کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیة دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ هـ ق ،،،،  
چهارم، تهران- ایران  
مجلسی، محمد باقر، ملاذالاخیر ج ۱۴ ناشر: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی- ره، تاریخ  
نشر: ۱۴۰۶ هـ ق، نوبت چاپ: اول، مکان چاپ: قم- ایران  
مجلسی، محمد تقی، روضه المتقین، ج ۹، ناشر: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، تاریخ نشر:  
۱۴۰۶ هـ ق، نوبت چاپ: دوم، مکان چاپ: قم- ایران  
مرتضی بن محمد امین انصاری، کتاب المکاسب المحرمة و البیع و الخیارات، ۱۴۱۵ هـ ق  
مطهری مرتضی مجموعه آثار ج ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی  
معین، محمد، فرهنگ فارسی معین ج ۲ مؤسسه انتشارات امیر کبیر تهران ۱۳۶۰  
مکارم شیرازی، ترجمه قرآن کریم، ناشر: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف  
اسلامی) مکان چاپ: قم سال چاپ: ۱۳۷۳ ش نوبت چاپ: دوم  
نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ناشر: دار إحياء التراث العربی تاریخ نشر: ۱۴۰۴  
هـ ق، نوبت چاپ: هفتم، مکان چاپ: بیروت- لبنان.

